

آدمکش کور



مارگارت اتوود

ترجمه شهین آسایش

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۹۸

فهرست

بخش اول

- ۱۳ پل
۱۶ معمای مرگ هفته
۱۸ آدمکش کور: گیاهان ماندگار برای باغ سنگی

بخش دوم

- ۲۳ آدمکش کور: تخم مرغ آبپز
۲۹ گریفین را در قایق بادبانی اش پیدا کردند
۳۱ آدمکش کور: نیمکت پارک
۳۶ خواهرزاده نویسنده در اثر سقوط کشته شد
۳۷ آدمکش کور: فرش‌ها
۴۴ آدمکش کور: قلبی که با ماتیک کشیده شده
۵۲ اهدای جایزه لورا چیس

بخش سوم

- ۵۷ اهدای جایزه
۶۶ جعبه نقره‌ای
۷۳ کارخانه دکمه‌سازی
۸۲ آویلیون

۹۴	جهیزیه
۱۰۵	گرامافون
۱۱۵	روز پختن نان
۱۲۹	روبان‌های سیاه
۱۳۳	سودا

بخش چهارم

۱۴۱	آدمکش کور: کافه
۱۴۶	پشتیبانی چیس از کارهای امدادی
۱۴۸	آدمکش کور: روتختی حاشیه مخملی
۱۵۴	تقدیر از بنت
۱۵۶	آدمکش کور: پیامبر
۱۶۴	ارتش شورش اعتصابیون را سرکوب می‌کند
۱۶۶	آدمکش کور: اسب‌های شب
۱۷۱	شایعه روز تورنتو
۱۷۳	آدمکش کور: زنگ مفرغی

بخش پنجم

۱۸۱	پالتوی خز
۱۹۱	سرباز خسته
۲۰۱	دوشیزه خشونت
۲۱۲	دگرگونی اوید
۲۲۲	پیک نیک کارخانه دکمه‌سازی
۲۳۶	بخشندگان قوت
۲۵۰	رنگ کردن با دست
۲۶۳	زیزمین سرد
۲۷۶	زیرشیروانی

۲۸۶	اتاق امپریال
۲۹۵	رستوران آرکادین
۳۰۷	رقص تانگو

بخش ششم

۳۱۹	آدمکش کور: کت و دامن چهارخانه مورب
۳۲۴	پارچه زربفت قرمز
۳۳۰	پیدا شدن دختر مدرسه خانواده هزار فامیل
۳۳۲	آدمکش کور: پیاده‌روی در خیابان
۳۴۰	آدمکش کور: دربان
۳۵۰	شایعه داغ تورنتو
۳۵۲	آدمکش کور: بیگانه‌ای در یخ

بخش هفتم

۳۶۳	صندوق
۳۷۱	آتش جهنم
۳۸۳	کارت پستالی از اروپا
۳۹۵	کلاه پوست تخم مرغی
۴۰۳	شیفته
۴۱۱	سانی ساید
۴۲۰	زانادو

بخش هشتم

۴۳۳	آدمکش کور: داستان‌های گوشتخواران
۴۴۳	در جستجوی یک صفت
۴۴۵	آدمکش کور: زنان هلویی آ.آ.ع
۴۵۵	گرفین دولت را از کمونیست‌های اسپانیا برحذر می‌دارد

آدمکش کور: کباب پزی کلاه سیلندر ۴۵۷

بخش نهم

رختشویخانه ۴۶۵

زیرسیگاری ۴۷۴

مردی که سرش آتش گرفته بود ۴۸۴

واترنیکسی ۴۹۱

درخت شاه بلوط ۵۰۲

بخش دهم

آدمکش کور: مردان مارمولکی زنور ۵۰۷

شایعه داغ تورنتو ۵۱۲

نامه‌ای از بلاویستا ۵۱۴

آدمکش کور: برج ۵۱۶

انتقام جویی کمونیست‌ها در بارسلون ۵۲۰

آدمکش کور: ایستگاه یونیون ۵۲۱

بخش یازدهم

اتاقک ۵۲۷

بچه گربه ۵۳۲

منظره زیبا ۵۴۰

ماه درخشان ۵۴۶

کافه تریای بتیز ۵۵۵

پیام ۵۶۵

بخش دوازدهم

تمجیدگریفین از پیمان مونیخ ۵۷۳

جلال و شکوه شاهانه در گاردن پارتی شاهانه ۵۷۵

آدمکش کور: اتاق نویدی ۵۷۷

آدمکش کور: پرده‌های زرد ۵۸۴

آدمکش کور: تلگراف ۵۸۸

آدمکش کور: تخریب ساکیل نون ۵۹۰

بخش سیزدهم

دستکش‌ها ۵۹۵

آتش خانه‌ها ۶۰۱

شیرینی فروشی دایان ۶۰۷

تُنده ۶۱۷

بخش چهاردهم

قفل طلایی ۶۲۵

پیروزی می‌آید و می‌رود ۶۳۱

توده آوار ۶۴۱

بخش پانزدهم

آدمکش کور، پایان سخن: دست دیگر ۶۴۹

آیریس چیس گریفین ۶۵۱

یک بانوی فراموش نشدنی ۶۵۱

در آستانه ۶۵۳

پل

ده روز بعد از تمام شدن جنگ، خواهرم لورا^۱ خود را با ماشین از روی یک پل به پایین پرت کرد. پل در دست تعمیر بود و لورا درست از روی علامت خطری که به این مناسبت نصب شده بود گذشت. ماشین شاخه‌های نوک درختان را که برگ‌های تازه داشتند شکست، بعد آتش گرفت، دور خود چرخید و به داخل نهر کم‌عمق دره ای که سی متر از سطح خیابان فاصله داشت افتاد. قطعه‌هایی از پل روی ماشین افتاد، و چیزی جز تکه‌های سوخته بدن لورا باقی نماند.

پلیس خبرم کرد. ماشینی که لورا با آن دچار حادثه شده بود مال من بود، از روی شماره ماشین پیدایم کرده بودند. پلیس، بدون شک به خاطر نام فامیل ریچارد، خیلی مؤدبانه این خبر را داده. می‌گفتند ممکن است تایرهای ماشین به ریل تراموا گیر کرده یا ترمز ماشین خوب کار نکرده باشد، اما لازم بود بگویند که دو شاهد معتبر - یک وکیل دعاوی و یک کارمند بانک - دیده‌اند که لورا عمداً فرمان ماشین را منحرف کرده و به همان راحتی که آدم پایش را از لبه پیاده‌رو به وسط خیابان می‌گذارد ماشین را به دره پرت کرده است. دستکش‌های سفید لورا توجه آن‌ها را جلب کرده بود و دیده بودند که چطور فرمان ماشین را منحرف کرده است.

فکر کردم دلیل تصادف ترمز ماشین نبوده است. لورا برای این کار دلیلی داشت. البته دلایل او مثل دلایل آدم‌های دیگر نبود. اما در هر حال کار بی‌رحمانه‌ای کرده بود.

